

فرهنگ اقتصادی صحیح از جمله پیش‌نیازهای توسعه و پیشرفت اقتصادی در همه جای دنیا بوده و هست. اگر جامعه‌ای در دنیا پیشرفت کرده، به‌طور قطع، نظام آموزشی پیشرفته‌ای داشته که در همه حوزه‌ها، از جمله اقتصاد، موفق بوده است. در سال ۱۹۸۳ میلادی در آموزش و پرورش آمریکا سندی منتشر می‌شود که جامعه آمریکا را به دلیل نظام آموزشی حاکم و نارسایی‌های موجود در آن، «ملتی در خطر» توصیف می‌کند و سعادت، امنیت و حیثیت آن جامعه را در گرو اصلاح نظام آموزشی آن معرفی می‌کند. در پی این گزارش، اصلاحات گسترده‌ای در نظام آموزشی آمریکا انجام می‌شود که از جمله آن‌ها تدارک برنامه منسجمی از تربیت اقتصادی و مالی در همه دوره‌های تحصیلی در مدرسه‌ها و رسانه‌ها است؛ این مجموعه که به «استانداردهای تربیت اقتصادی» مشهور است، اهداف تربیتی این حوزه را در هر دوره سنی روشن می‌کند و از دست‌اندرکاران نظام تربیتی می‌خواهد بر اساس آن برنامه‌ریزی و تولید محتوا کنند.

اگر امروزه اولویت نظام، به فرموده رهبر معظم انقلاب، اقتصاد مقاومتی است، لایه‌های مغفول و بسیار مهم و اساسی از آن، لزوم گفت‌وگو و فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی در جامعه است و این محقق نخواهد شد، مگر با طراحی و برنامه‌ریزی و تولید محتوای فاخر و هدفمند در جهت فرهنگ‌سازی درست و دقیق در مورد کار، تولید، مصرف، بهروری، و استفاده درست و بهینه از منابع. اقتصاد مقاومتی بدون این‌ها شکل نخواهد گرفت. برخلاف تصور رایج، تربیت اقتصادی صرفاً انتقال دانسته‌هایی در مورد پول و تجارت نیست. تربیت اقتصادی از مفاهیمی کلیدی مانند انتخاب و تصمیم‌گیری به‌عنوان مفاهیم محوری در همه برنامه‌های تربیتی این حوزه در دنیا شروع می‌شود. این زنجیره با مفاهیم کلیدی دیگری کامل می‌شود و در نهایت نظام فکری صحیحی را شکل می‌دهد که پشتیبان تصمیمات و عمل اقتصادی است؛ انتخاب‌های درست اقتصادی به‌صورت کار درست، تولید صحیح و مصرف عاقلانه و سرمایه‌گذاری مدبرانه متبلور می‌شوند و در صورت شکل نگرفتن الگوریتم فکری صحیح در انتخاب، به‌طور قطع همه تلاش‌ها ابتر و ناقص خواهند ماند.

**← شروع تربیت اقتصادی از کودکی**  
در همه دنیا فرهنگ‌سازی و تربیت اقتصادی را از سنین کودکی آغاز می‌کنند. هم به دلیل سهولت آموزش‌پذیری کودکان و یادگیری مؤثر آموزه‌ها به‌ویژه مفاهیم کلیدی در سنین کودکی و هم به دلیل تأثیرگذاری کودکان بر بزرگ‌ترها که نمونه موفق آن در کشور ما طرح «همیاران پلیس» است.

امسال سال «رونق تولید» است. این مفاهیم را باید وارد برنامه تربیتی نسل آینده کرد. شکل زیر یکی از لوحه‌های آموزشی در پایه‌های ابتدایی مدرسه است که دانش‌آموز را با مفهوم تولیدکننده آشنا می‌کند. با کمک این لوحه، آموزگار در مورد اهمیت تولیدکننده برای اقتصاد صحبت می‌کند، از دانش‌آموز می‌خواهد، یک بند بنویسد با این موضوع که وقتی بزرگ شد، می‌خواهد چه کالایی تولید کند یا چه خدمتی ارائه دهد. مطابق با مضمون بند، یک نقاشی هم بکشد.

Write a paragraph entitled, "What Good or Service I Want to Produce When I Grow Up." Draw a picture to go with the paragraph.



# تربیت اقتصادی



واقعاً تولیدکننده را باید تربیت کرد، وگرنه آنچه حاصل می‌شود، بیشتر سوداگر خواهد بود نه تولیدکننده واقعی! تولید هم، علاوه بر حسابداری اقتصادی، عشق می‌خواهد، و گرنه تنها با تغییر محاسبات اقتصادی کنار گذاشته می‌شود. این عشق و علاقه به آفرینش و تولید را که زمینه آن ودیعه‌ای الهی در همه انسان‌هاست، باید پرورش داد. بخشی از اهداف انگیزشی نظام تربیتی و رسانه‌ای کشور باید در خدمت ایجاد انگیزه تولید از کودکی باشد.

### ← فرهنگ کار و اشتغال

به دلیل فارغ‌التحصیلی، خیل عظیمی از جمعیت جوان و تحصیل کرده در دهه ۹۰ به بازار کار سرازیر شدند. می‌توان اولویت اصلی مشکلات اقتصادی کشور در دهه جاری را بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی دانست. طبق آمارهای رسمی، اگرچه نرخ بیکاری در کل کشور وضعیت وخیمی ندارد، اما آنچه نگران‌کننده است، ترکیب بیکاران است؛ به طوری که درصد بیکاران دارای مدرک دانشگاهی به بیش از بیست رسیده است.

آنچه معمولاً اقتصاددانان و صاحب‌نظران بازار کار در آسیب‌شناسی و ارائه پیشنهادها سیاستی در ایجاد اشتغال

و اصلاح این حوزه مطرح می‌کنند، بیشتر بر اصلاح محیط کسب و کار و ایجاد ظرفیت‌های جدید با سرمایه‌گذاری و ورود فناوری استوار است. معمولاً از این موضوع غفلت می‌شود که بخشی از مشکلات ساختاری در حوزه کار و اشتغال در کشور ما فرهنگی است و بدون اصلاح آن، ممکن است سایر سیاست‌گذاری‌ها نیز به نتیجه مطلوب نرسند.

ایجاد فرهنگ کار و تولید و آنچه امروزه به‌عنوان یکی از کلیدهای حل معضل بیکاری در دنیا بدان توجه می‌شود، یعنی کارآفرینی، از یک‌سو و فرهنگ مصرف و استفاده از تولیدات داخلی از سوی دیگر، به‌صورت مکمل می‌تواند نتایج عمیقی بر بازار کار و فضای تولید کشور بگذارد.

در سند تحول آموزش و پرورش، با عنایت به اهمیت موضوع، یکی از اهداف کلان، «ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای» تعریف شده و در آن از نظام تعلیم و تربیت خواسته شده است نسل آینده‌ساز کشور را به‌گونه‌ای تربیت کند که: «با درک مفاهیم اقتصادی در چارچوب نظام معیار اسلامی از طریق کار و تلاش و روحیه انقلابی و جهادی، کارآفرینی، قناعت و انضباط مالی، مصرف بهینه و دوری از اسراف و تبذیر و با رعایت وجدان، عدالت و انصاف در روابط با دیگران، در فعالیتهای اقتصادی در مقیاس خانوادگی، ملی و جهانی مشارکت کند.»

همچنین:

«دارای حداقل یک مهارت مفید برای تأمین معاش حلال باشند، به‌گونه‌ای که در

صورت جدایی از نظام رسمی تعلیم و تربیت، در هر مرحله، توانایی تأمین زندگی خود و اداره خانواده را داشته باشند»

پایه‌سازی این هدف می‌طلبد که تغییری بنیادین در محتوای آموزشی نظام تربیت رسمی و نیز محتوای برنامه‌های رسانه‌ای در نظام تربیت غیررسمی ایجاد شود تا نسلی تربیت شود که در چارچوب نظام معیار اسلامی به عنصر کار و تلاش بنگرد و با لحاظ عقاید، اخلاقیات و احکام اقتصادی دینی، مشارکتی سازنده در فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد؛ ضمن اینکه در مجموع حرفه‌های بیاموزد و یا به‌عنوان یک عنصر کارآفرین، در نظام اقتصادی کشور خلق ارزش کند.

چنین محتوایی برای دیگر اقشار جامعه که از تربیت عمومی رسمی نیز گذاشته‌اند، می‌تواند در قالب‌های متفاوت و به‌صورت غیررسمی ارائه شود؛ به شرطی که اهمیت و ضرورت آن و نیز اثرگذاری‌اش بر نتایج فعالیت‌ها احساس شود. برای مثال، در دوره‌های ضمن خدمت کارکنان دستگاه‌ها چنین مؤلفه‌های فرهنگ اقتصادی گنجانده و محتوای جذابی برای آن تدارک شود. در برنامه‌سازی رسانه‌ای بر این عناصر تأکید شود و فعالان عرصه فرهنگ‌سازی کار، تولید و کارآفرینی در کشور مورد تقدیر و تشویق قرار گیرند ■